

برای تنظیم مناسبات
قاسم محبعلیشیوع ویروس جدید
مشاهده علائمی مشابه کرونااز فاتحان خرمشهر
به مناسبت سالروز شهادت حاج احمد کاظمی

پایان ترودو پس از ۹ سال

جاستین ترودو علاوه بر
کناره‌گیری از نخست‌وزیری کانادا
از رهبری حزب لیبرال نیز کنار کشید

سرمقاله

هشدار برای امروز
چراغی برای آینده

مروری بر آخرین تحلیل آیت‌الله هاشمی

محسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

یکی از پرسش‌های پرتکرار در ذهن بسیاری از مردم و سیاسیون این است که برای عبور از چالش‌ها و بحران‌ها در کشور چه راهکاری وجود دارد؟ این سوال در شرایط فعلی کشور، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. لذا این پرسش را در خاطرات مکتوب آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌خصوص چند سال آخر عمرشان جست‌وجو کرده و به نتایج قابل توجهی رسیدیم که با خوانندگان عزیز در میان می‌گذاریم. آیت‌الله به روشنی از پنج آسیب بنیادین در سازوکار تصمیم‌گیری نظام سخن می‌گوید؛ آسیب‌هایی که به باور او، ریشه بسیاری از بحران‌های پیش‌روی کشور هستند. این پنج نکته، به گذشته مرتبط می‌شوند، بلکه امروز نیز با شدت بیشتری خودنمایی می‌کنند و نیازمند توجه جدی است. با تکرار بحران‌ها و بازگشت به نقاط بن‌بست، یادآوری این دیدگاه‌های کلیدی، می‌تواند چراغ راهی برای اصلاح مسیر باشد:

۱ خودسانسوری در برابر رهبری

رهبر انقلاب همچون هر مقام انسانی، تصمیمات خود را بر پایه اطلاعات ارائه شده، اتخاذ می‌کنند. بنابراین اگر اطلاعات دریافتی ناقص، اغراق‌آمیز یا حتی غیرواقعی باشد، تصمیمات نیز نمی‌توانند از عمق و کارآمدی لازم برخوردار باشند؛ لذا خودسانسوری برخی مقامات در انتقال نظرات و بعضاً اطلاعات واقعی خود، به‌ویژه در پرونده‌های حساس و برجانش، تأثیرات مخربی بر فرآیند تصمیم‌سازی داشت. در خاطرات دیده می‌شود که بعضی در دیدارهای خصوصی با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، نگرانی‌های جدی خود را نسبت به پیامدهای احتمالی مذاکرات و راهبردهای اتخاذ شده در این حوزه ابراز می‌کردند. آنها به صراحت از تهدیدات پیش‌رو سخن می‌گفتند و حتی برای یافتن راه‌حل از آیت‌الله مشورت و کمک می‌خواستند، اما در جلسات فردی یا گروهی با رهبر انقلاب، رفتار متفاوتی داشتند و به جای انتقال نگرانی‌های خود تلاش داشتند، تصویری خوش‌بینانه و غیرواقعی از شرایط ارائه دهند. بعضی حتی درخواست می‌کردند که نظرات واقعی‌شان را به رهبری منتقل نکند.

۲ اغراق در قدرت هسته‌ای ایران

برخلاف رویه معمول در بسیاری از کشورهای جهان که برای جلوگیری از حساسیت‌های بین‌المللی، توانایی‌های هسته‌ای خود را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، ایران در گزارش‌ها، اظهارات و تبلیغات خود، قدرت هسته‌ای‌اش را بزرگتر از واقعیت نشان می‌داد. این رویکرد اغراق‌آمیز، پیامدهای منفی در داخل و خارج کشور به همراه داشت. در سطح داخلی، چنین تبلیغاتی انتظارات غیرواقعی در جامعه ایجاد کرد و افکار عمومی را به این باور رساند که کشور از توانایی‌های فنی بی‌ظنیری برخوردار است. این موضوع، فشارهای اجتماعی برای دستیابی سریع‌تر به پیشرفت‌های جدید یا اتخاذ مواضع تندتر در مواجهه با قدرت‌های جهانی را افزایش داد. در عین حال، بزرگ‌نمایی توانایی‌های هسته‌ای موجب تغییر در اولویت‌های ملی شد و منابع قابل توجهی را به این حوزه اختصاص داد. در عرصه بین‌المللی، ارائه تصویری اغراق شده از توانایی‌های هسته‌ای، حساسیت‌های جهانی را تشدید کرد و برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی‌تر از آنچه بود، جلوه داد. این تصویرسازی در ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران نقش داشت و زمینه‌ساز تصویب قطعنامه‌ها و اعمال تحریم‌های شدیدتر شد. این روند اغراق‌آمیز، پس از دوران دولت سازندگی شدت بیشتری گرفت و تبدیل به یکی از آسیب‌های راهبردی در مدیریت پرونده هسته‌ای ایران شد. گزارش‌های رسمی و تبلیغاتی که فراتر از توان واقعی کشور بود، موجب شد تصمیمات براساس اطلاعات اغراق شده، اتخاذ شوند. بدیهی است که واقع‌گرایی در توانایی‌های ملی به جای بزرگ‌نمایی و پروپاگاندا نه تنها می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر کمک کند بلکه موجب افزایش اعتبار ایران در عرصه بین‌المللی شده و ایران را در مسیر پیشرفت قرار می‌دهد.

ادامه در صفحه ۲

به بهانه هشتمین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی
به بررسی کتاب تازه خاطرات ایشان پرداخته‌ایم

راوی صادق

قادر باستانی‌تبریزی
ویراستار مجموعه خاطرات
آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

کتاب «هاشمی‌رفسنجانی؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۸۱- آمریکا در باثاق»، بیست‌ودومین دفتر از مجموعه خاطرات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است که با نگاهی جامع و تحلیلی به روایت وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این سال می‌پردازد. محتوای اثر به‌طور ویژه به بحران‌های بین‌المللی از جمله برنامه حمله آمریکا به عراق، پیامدهای آن برای منطقه و تحلیل دقیق شرایط داخلی ایران اختصاص دارد. همچنین این دفتر با ثبت جزئیات تصمیم‌سازی‌ها و رایزنی‌های سیاسی، روایتی دست‌اول از چالش‌های مدیریتی کشور ارائه می‌دهد. خاطرات سال ۱۳۸۱ به دلیل اهمیت تاریخی و بازتاب سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی، منبعی بی‌بدیل برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود.

روز شنبه اول فروردین ۱۳۶۰ تا روز شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۵- یک روز قبل از رحلت- به مدت ۳۵ سال، آیت‌الله خاطرات خود را هر روز ثبت کرده است. تاکنون در تاریخ مدون ایران زمین و شاید دنیا، سیاست‌مدار و دولتمردی نبوده که چنین زمان طولانی، مداوم و منظمی یادداشت روزانه نوشته و از خود بر جای گذارده و در دوران حیات خود به دست چاپ سپرده باشد؛ ۳۵ دفتر ارزشمند، سندی بی‌ظنیر در تاریخ معاصر ایران که حاوی اطلاعات مهمی درباره عملکرد انقلاب اسلامی و مدیریت کشور است و می‌تواند برای آیندگان آموزنده و سودمند باشند.

خاطره‌نویسی؛ آینه‌ای رو به تاریخ و معرفت

خاطره‌نویسی همزاد عصر پیدایش مدرنیته است. ثبت لحظه‌های حساس تاریخی، به‌ویژه آنها که در سرنوشت یک ملت تأثیرگذارند و برخورد معرفت‌شناسانه با آنها، از کارکردهای اصلی خاطره‌نویسی، به‌عنوان یک گرایش ادبی- تاریخی مدرن است. سی‌رایت‌میلز، جامعه‌شناس آمریکایی و صاحب سه‌گانه «نخبگان قدرت»، خاطره‌نویسی را به‌مثابه روشی برای تولید دانش می‌داند و توصیه می‌کند همه یک «دفتر بومیه» داشته باشند و منظم بنویسند.

ادامه در صفحه ۲



ادامه سرمقاله

هشدار برای امروز چراغی برای آینده

۳ عدم استفاده از کارشناسان زبده

حذف نیروهای زبده، باتجربه و متخصص از تیمهای مذاکرهکننده و جایگزینی آنها با افرادی کم‌تجربه و فاقد تسلط کافی بر موضوع، باعث کاهش توان حرفه‌ای و انسجام تیمهای مذاکرهکننده ایران شد و نتایج منفی به همراه داشت و زمینه‌ساز اشتباهاتی شد که گاه منافع رقیب را به طور ناخواسته تامین کرد. کنار گذاشتن نیروهای متخصص به ویژه در میانه یک چالش حقوقی و فنی بین‌المللی، می‌تواند کشور را در موقعیت ضعف قرار دهد و امکان بهره‌برداری کامل از فرصت‌ها را کاهش دهد. بی‌توجهی به این اصل اساسی در بسیاری از موارد باعث شد که تیمهای مذاکرهکننده به جای تمرکز بر منافع کشور، درگیر یادگیری‌های اولیه و تطبیق با شرایط جدید شوند.

۴ اعتماد افراطی به روسیه

اعتماد بیش از حد به حمایت‌های روسیه در سیاست خارجی ایران، یکی از اشتباهات استراتژیک بود که پیامدهای سنگینی به دنبال داشت. این کشور که در ظاهر به عنوان متحد نزدیک ایران در مجامع بین‌المللی شناخته می‌شد، در لحظات حساس و تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب از همراهی با ایران سر باز می‌زد و حتی در برخی موارد، در اجماع جهانی علیه ایران نقش فعالی ایفا کرد. ایران نباید سیاست خارجی خود را بر اساس فرضیه حمایت دائم بعضی از کشورها بنا کند. روابط کشورها حتی متحدین، نه از سر همراهی راهبردی بلکه بر اساس منافع مقطعی و مصلحت‌گرایانه تنظیم می‌شود و این کشورها بیشتر از آنکه به ایران به عنوان یک شریک استراتژیک نگاه کنند از روابط با تهران به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی استفاده می‌کنند و در بزنگاه‌های حساس، ترجیح می‌دهند منافع خود را در تعامل با دیگر کشورها قربانی نکنند. صدور قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران، نمونه بارزی از این رفتار مصلحت‌گرایانه است. لذا سیاست خارجی موفق بر اساس استقلال و تعادل در روابط بین‌المللی شکل می‌گیرد و اعتماد افراطی به هر کشوری، بدون درک درست از ماهیت منافع آنها، تنها باعث اتلاف منابع و کاهش قدرت چانه‌زنی ایران خواهد شد.

۵ عدم تکثرگرایی همراه با وفاق

سیاست تک‌صدایی، باعث می‌شود تا جریان‌هایی که می‌توانند با ارائه دیدگاه‌های کارشناسی و انتقادی، مسیر کشور را به سمت مصالح ملی هدایت کنند، نتوانند از فرآیند تصمیم‌سازی کنار گذاشته شوند بلکه زمینه‌های همبستگی داخلی را تضعیف کرده و توان چانه‌زنی کشور را در مذاکرات کاهش دهد. این رویکرد بر افکار عمومی داخلی تأثیرات منفی می‌گذارد و منجر به ایجاد شکاف میان بخش‌های مختلف جامعه می‌شود؛ ضمن اینکه اعتماد به سیاست‌گذاری‌های کلان از دست می‌رود و انسجام ملی را در پرونده‌های مهمی چون هسته‌ای، موشکی، حقوق بشر، ناترازی‌ها که تأثیرات عمیق در زندگی مردم دارد، تضعیف می‌کند. در سطح بین‌المللی نیز این تک‌صدایی پیامدهای منفی دارد. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، ایران را کشوری می‌بینند که از درون فاقد اجماع و پشتیبانی عمومی است. این تصویر، موضع ایران را در مذاکرات تضعیف می‌کند. بدیهی است که برای مواجهه با چالش‌هایی به این بزرگی باید اجماعی واقعی از دل تکرر و تنوع به دست آید. ایشان همواره تأکید داشتند که حتی نظرات مخالف نیز می‌تواند برای تصمیم‌سازی‌های کلان، مفید و سازنده باشد. وحدت و وفاق، زمانی شکل می‌گیرد که همه اقشار جامعه احساس کنند، صدایشان شنیده می‌شود و سهمی در تصمیم‌گیری‌های کلان دارند.

◀ هشدار روشن برای آینده

آسیب‌های مطرح شده در خاطرات و سخنرانی‌های آیت‌الله هاشمی، نه تنها مروری بر چالش‌های گذشته بلکه هشدار روشن برای آینده است. این نکات نشان می‌دهند که کشور نیاز حیاتی به اصلاح بنیادین در مکانیسم تصمیم‌گیری خود دارد. شفافیت در ارائه اطلاعات، پذیرش مسئولیت‌ها و صراحت در بیان واقعیت‌ها از پایه‌های اساسی برای اتخاذ تصمیمات درست و مبتنی بر منافع ملی است. بدون شفافیت، اعتماد عمومی تضعیف می‌شود و امکان اصلاح واقعی از بین می‌رود. این تجربیات، گواه روشنی بر ضرورت بازنگری در روش‌ها و سیاست‌ها برای حفاظت از منافع ملی است. ایران با تاریخ و ظرفیت‌های عظیم خود، نیازمند سازوکارهایی است که از اشتباهات گذشته درس بگیرند و با نگاهی به آینده، مسیری پایدار و مبتنی بر شایسته‌سالاری و شفافیت را ترسیم کنند. بازگشت به اصولی که اعتماد عمومی را بازسازی کند و توان ملی را در مسیر درست هدایت نماید، تنها راه عبور از بن‌بست‌های کنونی است.

ادامه تیتربیک

راوی صادق

به اعتقاد میلز، یادداشت روزانه، نشانه‌ای از بلوغ روشنفکری است. او تجربه را یک منبع کار فکری اصیل می‌داند که ما از طریق ثبت خاطرات به گسترش عادت خودبازتابی می‌پردازیم و یاد می‌گیریم که چگونه دنیای درونی خود را بیدار نگاه داریم. به اعتقاد میلز، اینکه گفته می‌شود «تجربه داشته باشید» به این معناست که بتوانیم گذشته را در زمان حال قرار دهیم و به کار گیریم و راه اصلی به‌کارگیری تجربه، ثبت خاطرات است.

مجموعه خاطرات هاشمی‌رفسنجانی گنجینه‌ای بس فاخر برای تاریخ معاصر ایران است؛ به قول مسعود بهنود، از سه دوره از تاریخ معاصر ایران، سه کتاب مانده است که عبارت‌اند از: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه و خاطرات اسدالله علم و خاطرات هاشمی‌رفسنجانی که از اتاق خلوت‌های قدرت، خارطه دست‌اول دارند؛ از این منظر منابع دست‌اول هستند که دوره ناصرالدین‌شاه و محمدرضاشاه و جمهوری اسلامی را بازنمایی می‌کنند. آثار دیگری که همین ادعا را داشته‌اند با اینها ارزش برابری ندارند.

◀ از اتاق خلوت قدرت تا صفحات تاریخ

آیت‌الله هاشمی، سیاست‌مدار کلیدی نظام جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب در بالاترین مناصب حضور داشته است. تصمیم‌گیری‌های او در نظام جمهوری اسلامی، اهمیتی دست‌اول و تردیدناپذیر داشته و به همین دلیل، یادداشت‌های روزانه آیت‌الله منبعی ذی‌قیمت برای درک درست تاریخ معاصر است و هیچ مورخی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. خاطرات آیت‌الله بیشتر از آنکه تحلیلی باشد، خبری است؛ یعنی ثبت ساده رویدادهای هر روز به نحوی که خواننده خاطرات امکان درک و تفسیر و تعبیر داشته باشد. مثلاً این خارطه که ۲ خرداد ۱۳۸۱ نوشته است را بخوانید:

«آخر شب دیشب، آقای [احمد] جنتی، [امام‌جمعه موقت تهران] با تلفن از خواب بیدار کرد و گفت، به خاطر خستگی سفر و عدم مطالعه، فردا نمی‌تواند نمازجمعه را اقامه کند و درخواست کرد که من بروم. به شوخی‌گفتم، مگر برای خطبه جمعه مطالعه می‌کنند؟! اگر مطالعه می‌کند، چرا بی‌محتواسست؟! پذیرفتم. امروز سوره فتح را برای داستان صلح حدیبیه – به عنوان یک مورد مشخص از حمیت و تعصب جاهلی – و نقطه مقابل آن را در قرآن مطالعه کردم. خطبه‌ای در تعصب و لجاج و التقاط تفکر و خطبه‌ای درباره فتح خرمشهر و شرارت‌های جنگ‌طلبانه اسرائیل و آمریکا ایراد کردم. ستاد [برگزاری] نمازجمعه [تهران] تعدادی خفیه آماده کرده بود و به شخصیت‌های صف‌های جلو می‌داد که به گردن بیندازند؛ شبیه به رهبری. من پذیرفتم. گفتم، تقلیدی از اعراب است».

◀ روایتی صمیمی از روزمرگی تا سیاست

خاطرات به‌گونه‌ای نوشته شده که گویی فردی صمیمی و نزدیک با زبان ساده و بی‌پیرایه، آنچه در روز بر او گذشته را در کلمات آورده است. برای مثال، در ۱۷ خرداد ۱۳۸۱، آیت‌الله نوشته است:

«دیشب دچار بدخوابی شدم. در بالکن مشرف به رودخانه کرج خوابیده بودم. صدای زیاد آب و باد که در درخت‌های بلند می‌دمید، غریبی جای خواب، تکرر ادراک به خاطر عوض شدن هوا و محدود بودن کاناپه برای خواب و بدتر از همه صدای ماشین‌های عبوری و سگ‌های محافظ باغ همسایه، بارها بیدارم کرد. خواب دیدم که هواپیمای بزرگ بوئینگ مسافربری، متعلق به آمریکا و به رنگ قرمز، در مقابل چشم ناظران، در دریا سقوط کرد و خلبان موفق شد، همراه با صدمات زیاد، هواپیمای را در زیر آب به سوی ساحل هدایت کند و به ساحل برساند. هنگام عبور از بالای سر ما، هواپیمای کاپل‌های هوایی برق هم برخورد کرد».

در عین حال، مهم‌ترین مطالب پشت پرده دنیای سیاست و جزئیات تصمیم‌گیری‌ها به خوبی در خاطرات منعکس شده است. برای نمونه خارطه ۲۸ آبان ۱۳۸۱ را بخوانید:

«بعد از افطار، مذاکرات مفصلی با دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] داشتیم؛ در مورد صنایع ویژه و اصرار دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از مراکز غنی‌سازی سوخت هسته‌ای در اصفهان و کاشان و راهکارهای نجات از دست آنها و نیز چگونگی برخورد با آژانس‌های جاری دانشگاه‌ها که روزی‌روزی در مخالفت با ولایت‌فقیه تندر می‌شوند. گفت، شورای عالی امنیت ملی تصویب کرده است، با محرکان برخورد شود و نیز درباره آینده مدیریت کشور با توجه حوادث احتمالی مربوط به دو لایحه دولت. در مورد مساله عراق در صورت بروز جنگ گفت، شورای امنیت به رهبری پیشنهاد داده که اگر آمریکا حمله را شروع کرد، بهتر است تعاملی با آمریکا برای آینده عراق و منطقه به طور غیرمستقیم باشد که رهبری مخالفت کرده‌اند و از گنجاندن آن در



گزارش، ابراز عدم رضایت کرده‌اند. آقای روحانی جواب داده که این نظر همه کارشناسان است و انتقادی هم به رهبری در مورد مواضع سختگیرانه‌شان کرده است.».

◀ از بحران‌های داخلی تا روابط بین‌الملل

آیت‌الله در خاطرات خود به تفصیل به شرح رقابت‌ها و اختلافات پرداخته و تعاملات و کشمکش‌های سیاسی‌ای را که به شکل‌گیری ائتلاف‌ها و نزاع‌ها منجر می‌شد، ثبت کرده است. برای نمونه در خاطرات ۱۷ مهر این سال نوشته است:

«آقای [سیدمحمد] خامنی، رئیس‌جمهور، ظهر میهمانم بودند. گفت، در سفر به عربستان نتیجه‌ای به دست نیامد، جز زیارت و استراحت و معلوم شد که عربستان سخت از آمریکا ترسیده است و هر اقدامی برای جلوگیری از شرارت آمریکا در عراق و فلسطین و منطقه خلیج‌فارس، بی‌نتیجه و دیر هنگام است و آمادگی برای اقدامات پیشگیرانه و دسته‌جمعی ندارند و فقط پذیرفتند که دو نفر رابط بین ایران و عربستان باشند که اطلاعات و مشورت‌هایی را رد و بدل کنند و نیز معلوم شد، چند هفته پیش آمریکا منتظر وقوع حادثه مهمی شبیه کودتا با تروهای مهم یا شورش‌های وسیع در ایران بوده و [جرج] بوش به امیرعبدالله، [ولیعهد عربستان] گفته که آمریکا در آن دخالتی ندارد و امیرعبدالله هم باور کرده بود. در مورد لویح جدید دولت به مجلس، درخواست انتخابات و اختیارات رئیس‌جمهور، از حملات شدید که جریان راست علیه شخص او می‌کنند، ناراحت است ولی می‌گوید، این نتیجه را داشته که مردم فهمیدند این تعارف‌های گذشته آنها ظاهری است و گفت، از سوی مراجع قم اعتراض مهمی نشده، جز از سوی آقای [محمد] فاضل‌لنکرانی در مورد حذف شرط احراز شرایط در نامزد‌های مجلس و آقای [ناصر] مکارم [شیرازی] در مورد احتمال بروز دیکتاتوری رئیس‌جمهور و بعضی‌ها مثل آقای یوسف صائمی، موافق‌اند. نگرانی از مخالفت رهبری دارد و به نظر می‌رسد، احتمال کناره‌گیری در صورت رد لویح جدی است. گفتم که فکرکناره‌گیری را از سر خود بیرون کنند، چون برای خود ایشان و برای کشور مضر است و گفتم، شاید مناسب‌تر این بود که لویح از دولت نباشد و نمایندگان طرح می‌داند که حملات متوجه رئیس‌جمهور نباشد».

◀ روایتی از سال ۱۳۸۱ با تمرکز بر نقش هاشمی

در سال ۱۳۸۱، آمریکا یک سال پس از حمله به افغانستان در پی حملات ۱۱ سپتامبر که با ادعای جنگ علیه تروریسم، حکومت طالبان را سرنگون کرد، درحال زمینه‌سازی برای حمله به عراق و تصرف بغداد بود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در نماز جمعه مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۰، به تحلیل تجاوز نظامی آمریکا پرداخت و نخستین سیاستمداری بود که پیش‌بینی کرد، افغانستان به‌مثابه باتلاقی برای آمریکا خواهد بود و دولت واشنگتن چنان در این باتلاق گیر خواهد کرد که بیرون رفتنشان آسان نخواهد بود. حال در آخرین روز سال ۱۳۸۱ عراق یعنی، کشوری که جنگ هشت‌ساله را بر ایران تحمیل کرده بود، به بهانه تولید و پنهان ساختن سلاح‌های کشتار جمعی، مورد حمله آمریکا و متحدانش قرار گرفت و ظرف کمتر از سه هفته، بغداد پایتخت عراق به اشغال نیروهای آمریکایی درآمد و رژیم صدام مضمحل شد. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان همسایه این کشور در عین حال که از سرنوشته رژیم صدام، دشمن کهنه خود خرسند بود، به لحاظ امنیتی از حضور آمریکا در همسایگی خود نگرانی داشت. در این کتاب، موارد متعددی از مشورت‌ها و تصمیم‌سازی‌ها با محوریت آیت‌الله هاشمی، برای عبور دادن کشور از بحران بزرگ منطقه بیان شده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین رویدادهای این سال، آغاز بحران هسته‌ای بود. اتهامات غربی‌ها مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، سفر البرادعی به ایران و ادعاهای آمریکا و اصرار ایران بر صلح صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود، تنش‌ها را در روابط ایران با غرب افزایش داد.

بعد از عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آمریکا ایران را در کنار کره‌شمالی و عراق، یکی از محورهای شرارت مطرح کرد و حتی پس از حمله به افغانستان، حمله نظامی به ایران هم مطرح بود. در این میان اسرائیل سعی می‌کرد، آمریکا را قانع کند که قبل از عراق به ایران حمله کند، ولی آمریکا با توجه به باتلاقی که برای خود در افغانستان ایجاد کرده بود، حمله به ایران را صلاح نمی‌دانست، ولی گسیل سربازانش به عراق را برای خروج از باتلاق افغانستان، لایه موثر ارزیابی کرده بود. آیت‌الله هاشمی در فکر آن بود، هم ایران را از این معرکه خطرناک دور نگه دارد و هم از فضای ایجاد شده برای ایجاد نوعی همکاری و پشت سر گذاشتن دشمنی‌های گذشته بهره‌گیری نماید، لذا در حد مشورت و راهنمایی، کار را پیش می‌برد. در این سال، تلاش آیت‌الله این بود که مراقب تدریج‌ها باشد و نگذارد که کشور با هیجان وارد

این دو بخش را می‌توانید در شماره ۱۸۸۰ سال هفتم شماره ۱۸۸۰ چهارشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۳

پایان ترودو پس از ۹ سال

جاستین ترودو علاوه بر کناره‌گیری از نخست‌وزیری کانادا از رهبری حزب لیبرال نیز کنار کشید



گروه بین‌الملل: بسیاری از رسانه‌های کانادا همچنین آمریکا و اروپا، دوشنبه خبری را منتشر کردند که شاید برای بسیاری از تحلیلگران و مفسران سیاسی قابل هضم و یا حداقل قابل درک نبود و آن هم احتمال استعفای جاستین ترودو، نخست‌وزیر و رهبر حزب لیبرال کانادا بود. برخی از رسانه‌ها و روزنامه‌های این کشور اعلام کرده بودند که او قصد دارد تا روز چهارشنبه استعفای خود را اعلام کند اما کمتر از ۲۴ ساعت یک‌باره او این اقدام را عملی کرد و تصمیم به خروج از قدرت گرفت. ترودو در نشست خبری خود گفت که تا انتخاب رهبر جدید حزب به سمت نخست‌وزیری کانادا ادامه خواهد داد.

گزینه‌های جایگزین چه کسانی هستند؟

نکته بسیار مهم این است که جانشین ترودو از طریق رای‌گیری میان اعضای این حزب که بخش نسبتاً کمی از جمعیت کانادا هستند، انتخاب خواهد شد و درحالی که هنوز هیچ‌کسی نامزدی نام خود را برای جانشینی وی اعلام نکرده اما برخی از گزینه‌ها در این میان وجود دارند که یکی از آنها کریستیا فرلند، وزیر دارایی مستعفی کابینه ترودو است. استعفای ماه گذشته او از مقام وزیر دارایی کانادا که سابقاً معاون نخست‌وزیر نیز بود، گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای را در این خصوص برانگیخته که او ظاهراً تلاش خود را برای ریاست حزب لیبرال آغاز خواهد کرد. نیویورک‌تایمز درباره رزومه این وزیر دارایی سابق می‌نویسد: «خانم فرلند به عنوان سردبیر ارشد روزنامه کانادایی گلوب اند میل در تورنتو کار می‌کرد و به عنوان یک روزنامه‌نگار بین‌المللی در اتاق خبر روزنامه فایننشال تایمز و خبرگزاری رویترز شغل موفقی در کانادا داشت. او که در آلبرتا به دنیا آمده و بزرگ شده است سال ۲۰۱۳ به کانادا بازگشت تا به اعضای حزب ترودو ملحق شود».

دومینیک بلانک، وزیر امنیت عمومی کانادا که پس از استعفای فرلند، وزیر دارایی شد یکی دیگر از گزینه‌هاست. او دوست قدیمی ترودو به شمار می‌آید و از زمانی که بلانک از ترودو و برادرانش در اتاوا پرستاری می‌کرد، او را می‌شناسد. همچنین دومینیک بلانک در میان گروه اعزامی کانادا به فلوریدا بود که پس از تهدید آمریکا به وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاها کانادایی با دونالد ترامپ در عمارت مارا لاگو دیدار کرد. بلانک همچنین در سال ۲۰۰۰ برای اولین بار به عنوان نماینده پارلمان انتخاب شد و مسئولیت‌های گوناگونی را در دولت جاستین ترودو بر عهده داشت.

همچنین ملانی جولی یکی دیگر از این گزینه‌ها برای جایگزینی ترودو است. او از سال ۲۰۲۱ به عنوان وزیر امور خارجه کانادا خدمت کرده و به رغم تردیدهایی که این دیپلمات ارشد کانادا داشت با تشویق و ترغیب جاستین ترودو، گام‌هایی را در حرفه سیاسی خود برداشت. جولی دیپلماسی عملگراییانه خود را به این نقش آورده و اهمیت همکاری کانادا با رهبرانی را که دیدگاه‌های مخالفی در مورد سیاست خارجی دارند، تقویت کرده است. ملانی جولی استراتژی کانادا درخصوص هند و اقیانوس آرام را رهبری کرده اما با چالش‌هایی نیز مواجه شده است. او همچنین ۶ دیپلمات هندی را از کانادا اخراج و با اتهامات دخالت خارجی چین و هند نیز مخالفت کرد.

مارک کارنی، رئیس سابق بانک مرکزی کانادا همچنین انگلیس از دیگر گزینه‌های احتمالی برای رهبری حزب لیبرال به شمار می‌رود. او در دوران ریاست بانک انگلستان به خاطر سخنرانی‌های موعظه‌ای که به جنبه‌های سیاسی منحرف شد همچنین دیدگاه‌هایش در مورد خطرات مالی تغییرات آب‌وهوایی شهرت پیدا کرد و حالا ممکن است جانشین ترودو شود. همچنین فرانسوا فیلیپ شامپاین، وزیر نوآوری یکی دیگر از گزینه‌های احتمالی رهبری حزب لیبرال به شمار می‌رود.

آمریکای ترامپ و کانادای جدید

اینکه چه کسی قرار است جانشین ترودو در حزب لیبرال کانادا شود و سکان نخست‌وزیری این کشور را در دست بگیرد، موضوعی است که در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما باید توجه داشت که ورود مجدد ترامپ به کاخ سفید موجب می‌شود کانادا با مصائب و چالش‌های جدید روبه‌رو شود. روابط دو جانبه اتاوا و واشنگتن در دوره اول دولت ترامپ آسیب دید اما در دوران جو بایدن، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا بهبود پیدا کرد؛ تا جایی که کارین ژان پیر، سخنگوی کاخ سفید از ترودو به عنوان «دوست سرسخت ایالات‌متحده» یاد کرد. این در حالی است که بسیاری از اقتصاددانان و مقامات دولتی سابق در کانادا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب را به عنوان یک تهدید وجودی برای کشورشان می‌بینند. حالا باید منتظر بود و دید که چه کسی قرار است با این مصائب روبه‌رو شود و اوضاع را پیش ببرد.

ماجراجویی شود و منافع ملی آسیب ببیند؛ ضمن اینکه به درایت هم از سقوط صدام ستمگر و جانی بهره‌گیری شود و هم کشور از آفات حضور آمریکا در عراق در امان بماند.

مدیریت تعارض با آمریکا

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، پیش از ارتحال امام خمینی، در نامه‌ای از بنیانگذار انقلاب اسلامی خواسته بود که در زمان حیات خود مساله رابطه با آمریکا را حل کنند. او بر این باور بود که بالاخره آمریکا قدرت برتر دنیا است و این روش که با آمریکا، نه حرف بزیم و نه رابطه داشته باشیم، قابل تداوم نیست و اگر امام در حیات خود نظام اسلامی را از گردهمایی مثل مساله رابطه با آمریکا عبور ندهند، بعد از ایشان عبور کردن مشکل خواهد بود. آیت‌الله برای امام استدلال کرده بود، «مگر اروپا با آمریکا، چین با آمریکا و روسیه با آمریکا چه تفاوتی از دید ما دارند؟ اگر با آنها مذاکره داریم، چرا با آمریکا مذاکره نکنیم؟ معنای مذاکره هم این نیست که تسلیم آنها شویم. مذاکره می‌کنیم، اگر مواضع ما پذیرفتند یا ما مواضع آنها را پذیرفتیم، تمام است». او تجربه فرماندهی جنگ را داشت و با مشاهده خسران‌های بزرگی که کشور از قبیل عدم عبور از این گردهم مهم و ناتوانی در حل مساله رابطه با آمریکا دچار می‌شد، معتقد بود، وقایع دفاع مقدس برای کسانی که تفکری در میدان جنگ داشتند، ثابت کرد که نمی‌توان صرفاً با شعار کار کرد؛ بلکه باید همراه عملگرایی وارد سیاست شد. در این کتاب، تاکید آیت‌الله بر واقع‌گرایی و عمل‌گرایی در سیاست، برجسته است. او مذاکره با آمریکا را به معنی تسلیم نمی‌دانست، بلکه آن را ابزاری برای حفظ منافع ملی می‌دید. تلاش‌های او برای پیشگیری از تنش‌ها و حفظ منافع ملی، یکی از محورهاهای خواندنی این کتاب است.

لوايح دولتی: تقابل بی‌حاصل

پاییز سال ۱۳۸۱ رئیس‌جمهور وقت، دو لایحه به مجلس ارائه داد که به لوايح دولتی معروف شدند. لایحه اول، «اصلاح قانون انتخابات» بود. که محور اصلی آن حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان بود. لایحه دوم، «تبيين حدود وظايف و اختيارات رياست‌جمهوری» نام داشت. حامیان این طرح درصدد بودند که اگر شورای نگهبان این مصوبه مجلس را بی‌قیدوشرط تایید نکند، به صورت دسته‌جمعی استعفا دهند و از حاکمیت خارج شوند. این ماجرا نیمه دوم سال ۱۳۸۱ و همه سال ۱۳۸۲ را تحت تاثیر خود داشت. بعد از اعلام نتایج انتخابات شوراهاى اسلامی و آشکار شدن نشانه‌های تغییر فضای سیاسی کشور، اصرار مجلسی‌ها درخصوص لوايح کاهش یافت. در خاطرات ۱۳۸۱، نکات جالبی درباره پشت پرده کنشگران سیاسی و تعاملات آنها به چشم می‌خورد.

وفاق ملی و تقویت سازندگی

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی اعتقاد داشت، بهترین راه برای معرفی اسلام، ساختن ایران آباد و آزاد و معتدل است و کشور همه پارامترهای لازم را برای نیل به این هدف دارد و با تحقق آن، نفوذ و تاثیرگذاری ایران در مسایلی ژئوپلیتیک جهانی ارتقا می‌یابد که از رهگذر آن، می‌توان بسیاری از مشکلات جهان اسلام، حتی مساله فلسطین را حل کرد. طبیعی است با فقر و عقب‌ماندگی، نه عدالت حاصل می‌شود و نه عزت و منزلت؛ شوربخانه افرادی از گروه‌های افراطی چپ و راست که نه عدالت اسلامی را می‌شناسند و نه می‌توانند عدالت را اجرا کنند و نه اصولاً باور عمیقی به آن دارند، عمده‌ها به نادانسته به اختلافات فراینده میان مسئولان نظام در دولت و حاکمیت دامن می‌زدند.

در چنین فضایی که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، حفظ نیروهای میانه‌رو و غیرمتعصب را برای انتخابات آزاد لازم و موثر می‌دانست، صحبت از میانه‌روی و اعتدال، برای عناصر تدریجی چپ و راست که میداندار عرصه عمومی کشور شده بودند، محلی از اعراب نداشت و کشور، در این گيرودار فرصت‌سوز، با چالش‌های مهمی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. او به درستی بر این باور بود که اگر از درخت توسعه و سازندگی، صیانت و مراقبت نشود تا بتواند خوب رشد کند، ثمره آن همان توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خواهد بود، اما گوش‌ها بدهکار این حرف‌ها نبود. آیت‌الله هاشمی، اهتمام جدی به وحدت و یکپارچگی کنشگران سیاسی درون نظام داشت و از هر فرصتی برای نزدیک کردن و تحبیب قلوب بهره می‌برد و تمایل به تحقق وحدت و انسجام، تا پایان عمر شریف‌شان باقی ماند و به‌عنوان متعادل‌کننده فضای سیاسی کشور و لنگر اعتدال عمل می‌کرد.

حرف آخر

کتاب خاطرات ۱۳۸۱ فرصتی بی‌ظنیر برای بازخوانی و تحلیل گذشته‌های نه‌چندان دور است که ابعاد مختلف آن، به‌ویژه برای سیاستمداران و پژوهشگران حوزه سیاست و تاریخ معاصر ایران، از ارزش فراوانی برخوردار است. این اثر با ارائه جزئیات و شواهد مستند، نه‌تنها امکان بازاندیشی درخصوص رویدادها و تصمیم‌گیری‌های کلیدی آن دوران را فراهم می‌آورد، بلکه فرصتی برای شناسخت بهتر روندهای تحولات سیاسی و اجتماعی کشور در آن مقطع زمانی است. از این رو، مطالعه این کتاب می‌تواند درس‌های فراوانی را برای مدیران و سیاستمداران امروزی، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌ها و پیچیدگی‌های مشابه در دوران معاصر به همراه داشته باشد.

دیدگاه: یادداشت روز

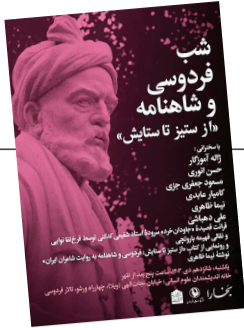
برای تنظیم مناسبات

درباره سفر نخست‌وزیر عراق به تهران



قاسم مجبلی
مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه

موضوع اصلی سفر نخست‌وزیر عراق به تهران براساس گزارش‌ها و مستندات موجود، آینده گروه‌های مقاومت در این کشور است. پس از سوریه، پرورنده عراق و یمن دو موضوعی هستند که در دستور کار بغداد قرار گرفته است. طبیعی است که هر دولتی علاقه‌مند نیست که سلاح خارج از اراده او استفاده شود و در تمام دنیا هم این موضوع یک امر مهم تلقی می‌شود، مگر اینکه دولت مستقر توان کنترل آن را نداشته باشد. پس از وقایع اخیر در خاورمیانه دیده شد که دولت لبنان بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ بر خلع سلاح تاکید کرده و در سوریه هم دولت انتقالی اعلام کرده که جریانات مسلح باید در این کشور سلاح خود را تحویل دهند و حالا هم نوبت به عراق رسیده و بحث رسیدگی و پیگیری است و اگر موافقتی با این هزینه در حال بررسی و پیگیری است و اگر موافقتی با این موضوع صورت نگیرد، ممکن است که جنگ داخلی صورت بگیرد سپس این روند به مداخله خارجی منجر شود. در این مسیر باید توجه شود که ترامپ قبل از آنکه وارد کاخ سفید شود، موضوع کنترل سلاح و تحویل آن به دولت عراق را پیش کشیده که این فشارها در حال نمایان شدن است. اینکه اراده قدرت‌های بزرگ و دولت‌های منطقه‌ای بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به این سمت رفته که نباید گروه شبه‌نظامی در منطقه وجود داشته باشد، موضوعی است که در حرف و عمل تایید شده اما اینکه این مواضع تا چه حد می‌تواند عملیاتی شود، بحث دیگری است. در مورد عراق هم دو راه وجود دارد. نخست راه کم هزینه‌تر یعنی ادغام در ساختار ارتش این کشور است تا خارج از ساختار نظامی کلاسیک و رسمی، هیچ جریانی وجود نداشته باشد و پس از انحلال وارد ارتش شوند. راه دوم هم این است که این جریانات سلاح خود را تحویل ندهند و در اینجا یا ارتش عراق با کمک ایالات‌متحده به وارد عمل خواهد شد یا اینکه ایالات متحده در قالب ائتلاف بین‌المللی رأساً ورود خواهد کرد و دست به اقدام می‌زند که در اینجا ممکن است، پای ایران هم وسط کشیده شود. به موازات این روند بحث سوریه هم یکی از محورهای سفر محمد شیاع السودانی به ایران می‌تواند باشد. عراق بر این عقیده است که در مورد سوریه موضع بی‌طرفی دارد و تحولات فعلی را یک مساله داخلی می‌داند و علاقه دارد که این موضوع را به تهران اعلام کند. این در حالی است که اگر موضوع سوریه به درگیری ختم شود و جنگ کردی- عربی صورت بگیرد و ترک‌ها هم وارد این ماجاله شوند، ممکن است که یک درگیری منطقه‌ای رخ دهد؛ چراکه به غیر از سوریه، کشورهایمانند عراق، ترکیه و حتی ایران در این امر دخیل می‌شوند و حتی قدرت‌های فرمانطقه‌ای هم به میدان می‌آیند. به این دلیل موضوع ادغام سلاح خارج از دولت در سوریه هم مطرح است و این مساله به تحولات داخلی آنها مربوط است. تمامی این تحولات در حالی رخ می‌دهد که دونالد ترامپ چندی دیگر به عنوان چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا وارد کاخ سفید می‌شود و باید توجه شود که ایالات متحده در راهبرد کلی خود به دنبال آن است که منافع خود و متحدانش مورد تهدید قرار نگیرد و برای همین است که با طالبان بر همین اساس توافق کردند. در توافق دوحه، طالبان دو تعهد به واشنگتن داد: نخست اینکه آنها به هیچ نیروی مخالف آمریکا در افغانستان میدان و امکان ندهند و دوم اینکه منافع و امنیت آمریکا و پایگاه‌های آن تهدید نشود. ایالات متحده در مورد عراق و سوریه هم همین راهبرد را دنبال خواهد کرد و آمریکا به دنبال آن است که مشابه توافق دوحه در این منطقه هم اتفاق بیفتد. به گونه‌ای که ایالات‌متحده در لبنان همین موضوع را با مدیریت خود پیش می‌برند و در سوریه کمی اوضاع و احوال فرق می‌کند. در عراق هم آمریکایی‌ها به دلیل مدیریت مستقیم اوضاع، خودش این پرورنده را پیش می‌برد و در یمن هم با کمک عربستان سعودی و امارات به دنبال چنین وضعیتی هستند. اینکه آیا نخست‌وزیر عراق در تهران پیام دیگری را به ایران منتقل خواهد کرد یا خیر موضوعی است که ریشه آن در پیوستگی تحولات مذکور قرار دارد. ارتباط ما با عراق و گروه‌های مقاومت و رابطه با آمریکا و حتی مناسبات اقتصادی دو جانبه با بغداد، همگی به هم ربط دارد. اینکه پول برق ایران از سوی بغداد پرداخت نمی‌شود، ریشه‌اش در اروپا و آمریکا قرار دارد و به تحریم‌ها مربوط می‌شود. حتی امنیت داخلی عراق و آینده دولت فعلی عراق به این بستگی دارد که چگونه این فضا را مدیریت کند و حتی مناسبات عراق با جهان عرب هم به این موضوع مربوط است؛ چراکه بغداد به دنبال جذب سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی است و این مسائل منوط به حل و فصل درگیری‌ها در منطقه است. عراقی‌ها نگران آن هستند که در یک درگیری بزرگ‌تر آسیب‌رسان شوند و می‌خواهند که خود را از این درگیری دور نگه دارند تا بتوانند پس از گذار از این مسائل و خروج از این شرایط، سیاست خارجی خود را تنظیم کنند.



ایران را تنها نگذارید

رونمایی از کتاب **از ستیز تا ستایش** که راوی رویکرد هزار ساله شاعران ایران به فردوسی و شاهنامه است



پرسان احادیان
خبرنگار فرهنگی

عصر یکشنبه ۱۶ دی، هشتصدمین شب از مجموعه شب‌های مجله بخارا با همراهی خانه اندیشمندان علوم انسانی که به رونمایی از کتاب **«از ستیز تا ستایش»** فردوسی و شاهنامه به روایت شاعران ایران» تألیف نیما ظاهری اختصاص داشت در تالار فردوسی خانه اندیشمندان برگزار شد. ژاله آموزگار، حسن انوری، مسعود جعفری‌جزی، علی دهباشی، کامیار عابدی و نیما ظاهری در این شب به سخنرانی پرداختند. از دیگر بخش‌های این برنامه، قرأت قصیده جاودان خرد توسط فرخ‌لقا نوایی و نقالی فهمیه باروتیجی با حضور استاد محمدرضا شفیعی کدکنی بود.

علی دهباشی در شروع برنامه گفت: «کتاب از ستیز تا ستایش دربرگیرندهٔ نگاه‌ها و ستایش‌هایی است که در هزار سال، از زمان حکیم طوس، فردوسی تا زمانهٔ ما، در حق او و اثر یگانه‌اش ابراز شده است. کتاب با اشاره‌های انتقادی فرخی سیستانی، شاعر پیش‌گام دورهٔ غزنوی، نسبت به شاهنامه آغاز می‌شود و با قصیدهٔ شفیعی کدکنی، شاعر عصر ما دربارهٔ فردوسی به اتمام می‌رسد.»

فرهنگ فردوسی‌پرور

سپس دکتر ژاله آموزگار از اهمیت محیط فرهنگ‌پرور این‌گونه گفت: «فردوسی عزیز یکی دیگر از فرزندان نام‌تو کاری کرده است که این جمعیت اینجا هستند با آن چتر هویتی که بر سر ما گسترده‌ای. می‌خواهم به نیما بگویم تو هم از همان فرزندان هستی که فردوسی به تو هويت بخشیده است. هويت این‌گونه است. فردوسی عزیز اگر سی سال زحمت کشیدی اگر حکمرانان تو را تحویل نگیرند، هستند کسانی که هنوز دوست می‌دارند. اما تنها شعار این‌که فردوسی خوب است، لطفی ندارد. فردوسی را مد روز نکند. بخوانید، تا نخواندید شعرهای تان سطحی خواهد بود. ما نباید یک شخص را بت کنیم، فرهنگی که فردوسی را به ایران تقدیم کرد، مهم است. در آغاز اسلام وقتی همه برای نزدیک شدن به حکومت به عربی سخن می‌گفتند و زبان فارسی داشت فراموش می‌شد، این مردم کوچه و بازار بودند که هم‌چنان لایزال را بر سر فرزندان‌شان به فارسی خواندند و آن‌ها بودند که این زبان را نگاه داشتند، این محیط فردوسی‌پرور بوده است. من آذربایجانی هستم و خیلی خوب ترکی حرف می‌زنم. اما زبان رسمی مملکت ما زبان فارسی است. سلام بر فردوسی و فرهنگ فردوسی‌پرور و ایران عزیز ما که جوانان تهنایش نگذارید! در جاهای دیگر خبری نیست. نروید! ایران تهناست. همگی دارید می‌روید! نکنید این کار را! اگر می‌روید پس ایران را به دست چه کسی می‌سپارید؟ ما هم مانده‌ایم و سختی‌ها را تجربه کرده‌ایم و سال به سال روزهای تلخ را دیده‌ایم. ایران را تنها نگذارید، فردوسی شما را نمی‌بخشد!»

فردوسی شعر فروش نبود

در ادامه دکتر حسن انوری دربارهٔ داستان سرایش شاهنامه در قبال زر و دست‌مزد شاه گفت: «فردوسی کی شاهنامه را شروع کرد؟ وقتی که دقیقی فوت کرد. دقیقی می‌خواست داستان‌های ایران کهن را به نظم دریاورد ولی به دست غلامی کشته شد و فردوسی به توصیهٔ یکی از دوستانش دنباله کار دقیقی را گرفت و شاهنامه را شروع کرد. دقیقی سال ۳۶۵ کشته شد و فردوسی هم احتمالاً در همین سال شاهنامه را شروع کرده است یا یک سال بعد اما از طرفی طبق نوشتهٔ تاریخ‌بینی که بهترین تاریخ دربارهٔ غزنویان است، محمود غزنوی در سال ۳۸۴ به سلطنت رسیده است، یعنی ۲۴ سال بعد از این‌که فردوسی شاهنامه را شروع کرده بود. چطور ممکن است سلطان به فردوسی در مقابل هر بیت یک دینار بدهد آن هم بعد از ۲۴ سال. می‌شود گفت این موضوع ساختگی است. علاوه بر این فردوسی چنان‌که از شعرهایش برمی‌آید، اهل این کار نبوده است یعنی شخصیتی نبوده که شعر بفروشد. اما دربارهٔ کتاب جوان برومند آقای نیما ظاهری. وقتی که در سال ۱۳۱۳ در زمان رضاشاه کنگره بزرگ فردوسی برگزار شد و از تمام دنیا شاهنامه‌شناسان بزرگ آمدند و در تهران سخنرانی کردند. بعد از آن شعری ایرانی شروع به سرودن شعر در ستایش فردوسی و شاهنامه کردند و حدود سال ۱۳۱۷ این شعرها جمع شد که امروز این کتاب نیاب است. خوش‌بختانه دیدم، نیما این‌ها را پیدا کرده و در کتابش آورده است. در این کتاب نیما از جمله شعر بلند حسین مسرور را نقل کرده است. حسین مسرور یک پاورقی‌نویس بود و در روزنامهٔ اطلاعات پاورقی می‌نوشت، در عین حال طبع شاعری داشت و منظومه‌ای سروده در خطاب به فردوسی.»



دکتر زهرا انوری

از شاهنامه‌ستیزی تا شاهنامه‌ستایی

پس از سخنرانی دکتر انوری، فرخ‌لقا نوایی سرودهٔ استاد محمدرضا شفیعی کدکنی را در ستایش فردوسی قرائت کرد. سپس مسعود جعفری‌جزی دربارهٔ سیر شاهنامه‌ستیزی تا شاهنامه‌ستایی در طول تاریخ ادبیات ایران گفت: «کتاب از ستیز تا ستایش در چند فصل تدوین شده و هدفش این بوده، شعرهایی که از فردوسی در آن صریحا صحبت شده جمع‌آوری شود؛ از دوران معاصر فردوسی تا امروز. دورهٔ اول شعرهایی است که منکر فردوسی بودند مانند شعر فرخی و امیر معزی و... دورهٔ دوم افسانه‌هایی است که به فردوسی منسوب شده است هم‌چون عطار و دیگران؛ هم‌بطور تا دورهٔ صفوی. شاعران مدعی دورهٔ قاجار هم خودشان را برتر از فردوسی می‌دانستند؛ دورهٔ اخیر از مشروطه تا امروز را برمی‌گیرد که بیشتر ستایش فردوسی بوده است. ایشان شعرهای اصیل را آورده‌اند و کتاب بسیار خواندنی است. اما راجع به شاهنامه و جایگاهش باید گفت، شاهنامه محصول سبک خراسانی است و دورهٔ اول شعر فارسی در ژانر ادبی طبیعت‌گرایی و برون‌گرایی و حماسه است. جامعه‌ای دارد شکل می‌گیرد و حکمرانی مستقل ایران اول در خراسان بعد در جاهای دیگر به تدریج شکل گرفته و این‌ها همه با امید همراه است و گل سر سبد این کتب شعری هم طبیعتاً شاهنامه است. از نظر فلسفی فلسفهٔ مشاء حاکم است و چهره‌هایی مثل فارابی و ابن‌سینا داریم، به تدریج که جلوتر می‌آیم، خاقانی و نظامی دورهٔ گذار هستند و بعد وارد سبک عراقی می‌شویم. در سبک عراقی نگاه‌ها به درون متمایل می‌شود و طبیعت‌ستایی جایش را به عرفان می‌دهد و فلسفهٔ اشراق شکوفا می‌شود. دورهٔ بعد دورهٔ سبک هندی است که در آن درون‌گرایی ذهنی‌تر می‌شود و استعاره‌های تو در تو گسترش پیدا می‌کند، مثل قوهٔ تخیل بیدل. ولی شاهنامه در تمام این فضاها حضور دارد و این‌ها را تعدیل می‌کند. به خصوص در دوره‌های صفوی و قاجاری که عرفان حالت انتزاعی پیدا کرده بود تا اوایل قاجار و دورهٔ بازگشت که از ذهنی‌گرایی افراطی سرخورده می‌شوند و به تقلید از شاهنامه برمی‌گردند. این دوره دورهٔ اصیلی نیست ولی به ادبیات ما خدمت کرده است. می‌رسیم به مشروطه که دورهٔ نوزایی و رنسانسی است و دوباره به عصر سلطانی، رودکی، منوچهری و فردوسی توجه می‌شود و فرهنگ غرب هم وارد می‌شود. نگاه‌ها متوجه محور فرهنگ بوده و نور امید در می‌شود. از همان دوره به بعد هم شاهنامه فراز و فرود داشته است. در دورهٔ رضا شاه، شاهنامه حول محور فرهنگ بوده و نور امید در شاهنامه و ساختن و ایران را برجسته می‌کنند. از شهریور ۱۳۲۰ به بعد با نفوذ افکار چپ و حزب توده، شاهنامه در سطح نخبگان پایین‌تر آمده و حافظ و مولانا بالاتر آمده‌اند و به مولانا با زمینه‌های هگلی نگاه می‌کردند. به تدریج در دههٔ ۴۰ و ۵۰ هر چه به سمت انقلاب می‌رویم، حافظ و مولانا بیشتر اوج می‌گیرند و شاملو و دیگران آن‌ها را ستایش می‌کنند و انتقادهای صریح از سعدی و فردوسی شروع می‌شود. دههٔ ۱۳۶۰ هم همین‌طور است تا از دههٔ ۱۳۷۰ و پس از فروپاشی شوروری به تدریج فضای روشن‌فکری ایران عوض می‌شود و وزنهٔ تعادل دوباره بازمی‌گردد و گرایش به سعدی و فردوسی بیشتر می‌شود. استاد شفیعی کدکنی مطرح کرده‌اند که ما در فرهنگمان سه صدای اصلی داریم: یکی صدای شاهنامه و ایران؛ یکی صدای مثنوی و عرفان اسلامی؛ یکی هم صدای تجدد و نیما و شعر نو. در ۶۰ و ۷۰ سال گذشته بیشتر به یکی از این‌ها متمایل می‌شدیم اما امروز این امید هست که ما به اعتدال رسیده باشیم.»

وجه مغفول‌ماندهٔ ادبیات کلاسیک

کامیار عابدی، دبیر تحریریه انتشارات مروارید در ادامه دربارهٔ روش‌شناسی و فضای پژوهشی امروز ادبیات کلاسیک ایران گفت: «شاید به جرات بشود گفت امروز ۷۰ درصد پژوهش‌هایی که در زمینهٔ ادبیات کلاسیک انجام می‌شود متمرکز بر دو قسمت است؛ یکی تصحیح و تشریح متون کلاسیک که بخشی از این آثار جنبهٔ آموزشی دارد و بخشی هم جنبهٔ پژوهشی. این متون بسیار ارزشمند است. آن قسمت‌هایی از متون که جنبهٔ اصالت دارد و برای اولین بار مطرح می‌شود و نسخه‌های خطی که پخش می‌شود و بخش‌هایی پنهان‌مانده از فرهنگ کهن ما دوباره واریسی شده و در اختیار ما قرار می‌گیرد. تعداد زیادی کتاب هم در قسمت تحلیل متون عرفانی است که اوج آن مثنوی است اما آثار دیگران را هم شامل می‌شود. در باقی زمینه‌ها کارهای بسیار محدودی انجام می‌شود. در حالی که با مطالعه ادبیات کلاسیک می‌توانند از موضوع‌های پنهان مانده در لایه‌های متون ادبی کهن صحبت کنند از جمله مشترک ادبیات و زیبایی‌شناسی که در لایهٔ لای متون ادبی هست، می‌بینیم پژوهش‌گران غربی این‌ها را برای ما آشکار می‌کنند و وقتی این کتاب‌ها به فارسی ترجمه می‌شود، متوجه می‌شویم چه قلمروهای ناشناخته‌ای در ادبیات کلاسیک ما بوده ولی نمی‌دیدیم. به نظر می‌رسد، پژوهش‌گران ما تلاش می‌کنند کار کنند اما محافظه‌کارانه! چرا! چون می‌بینند نظر به‌های جدیدی که در فضای ادبی رایج بوده است، اغلب به تألیف آثار ناخوانایی انجامیده و جز بعضی موارد که توانسته‌اند این نظر به‌ها را جذب کنند بیشترشان در مراحل ابتدایی به دلیل نداشتن احاطهٔ کافی بر نظر به‌ها ناموفق بوده‌اند. نکتهٔ دیگر این است که فضای مجازی عینی مستقیم و مبتنی بر عقل سلیم در آثار پژوهشی ما کمتر شده است به خصوص در حوزهٔ ادبیات کلاسیک این آسیب هویداتر است. از این باب کتاب آقای نیما ظاهری کتاب پر بها و قابل تحسینی است. ۴ سال از زمان خودش را با اشارهٔ میمنت میرصادقی و پیشنهاد استاد شفیعی کدکنی گذاشته و شروع به کار کرده و این کتاب را در اختیار ما قرار داده است.»



امیر معزی

عبور فردوسی و شاهنامه از گذرگاه تاریخ

در پایان نیما ظاهری دربارهٔ کتاب **«از ستیز تا ستایش»** گفت: «در زمان حیات فردوسی و ۱۰۰ سال بعد هیچ‌کس در هیچ جا صریحاً نامی از فردوسی نمی‌برد. یک سده اگر جلوتر دست‌کم نامی از فردوسی برده می‌شود و صرف‌نظر از یکی دو نفری که ستایش‌هایی از فردوسی می‌کنند، مثل اسدی توسی و نظامی گنجهای، صدای غالب صدای امیر معزی تیشابوری است. سعدی در قرن هفتم هم‌چون دیگر بزرگان پیش از خود نقطهٔ قوت شاهنامه را تنها در میان مسائل اخلاقی و تربیتی آن می‌جوید. با این حال خوش‌بختانه هر چه از زمان فردوسی دورتر شده‌ایم ستایش‌ها از او و اثرش بیشتر شده است تا جایی که در یک سدهٔ اخیر به جز یکی دو نفر هیچ‌کس نیست که از شاهنامه و فردوسی با احترام و افتخار یاد نکنند. این فراز و نشیب‌ها و ستیزها و ستایش‌ها البته که مثل هیچ چیز دیگری بی‌علت نیست. در کتاب از ستیز تا ستایش کوشیده‌ام با نگاه هم‌زمان به مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در هر دوره، با آن دوره‌ها به گفت‌وگو بنشینم و ببینم چه شده که شاعران چنین نظری به شاهنامه داشته‌اند.»



نیما ظاهری

گزارش

فارغ التحصیلان بیکار

مرکز آمار می گوید:

تعداد درس خوانده‌های بیکار زیاد شده است

طبق گزارش جدید مرکز آمار ایران، در پاییز ۱۴۰۳ سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۴۳.۱ درصد بوده است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰.۳ درصد افزایش داشته است. بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به یکی از چالش‌های جدی در جوامع مختلف، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، تبدیل شده است. این پدیده که نتیجه ترکیبی از عوامل اقتصادی، آموزشی و اجتماعی است، نه تنها معیشت و آینده جوانان را تهدید می‌کند، بلکه تأثیرات منفی بر توسعه پایدار جامعه نیز دارد. نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بالاتر از میانگین کل جامعه است. بسیاری از این افراد پس از سال‌ها تحصیل و صرف هزینه‌های قابل توجه، با بازاری مواجه می‌شوند که یا توان جذب آسان را ندارد، یا مهارت‌ها و توانایی‌های آنان با نیازهای واقعی بازار کار همخوانی ندارد. یکی از دلایل اصلی این مشکل، عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار است. بسیاری از دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی همچنان بر رشته‌های سنتی تمرکز دارند، درحالی که بازار کار به تخصص‌های جدید و مهارت‌های فناورانه نیاز دارد. این موضوع باعث می‌شود که فارغ‌التحصیلان به جای یافتن شغل مرتبط با تخصص خود، یا بیکار بمانند، یا به مشاغل کم‌درآمد و غیرمرتبط روی بیاورند. از سوی دیگر، رکود اقتصادی و کاهش فرصت‌های شغلی در بسیاری از صنایع نیز به افزایش نرخ بیکاری در این قشر دامن زده است. برخی از کارفرمایان نیز ترجیح می‌دهند به جای استخدام نیروهای تازه‌کار، افراد را به تجربه را به خدمت بگیرند، که این امر ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار را دشوارتر می‌کند. برای حل این بحران، دولت‌ها و نهادهای آموزشی باید اقدامات موثری انجام دهند. بازنگری در برنامه‌های آموزشی، توسعه مهارت‌های شغلی در دوران تحصیل، ایجاد ارتباط نزدیکتر میان دانشگاه‌ها و صنایع و حمایت از کارآفرینی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به کاهش بیکاری فارغ‌التحصیلان کمک کند.

مطابق نتایج طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۴۰۳ که به‌تازگی از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده است بررسی نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیل آموزش عالی، نشان می‌دهد (۱۱٪) درصد از جمعیت فعال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی بیکار بوده‌اند. این نرخ در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری بیشتر بوده است. بررسی روند تغییرات این نرخ حاکی از کاهش ۰.۳ درصدی در پاییز ۱۴۰۳ نسبت به فصل مشابه سال قبل است.

در پاییز ۱۴۰۳ سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۴۳٪ درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰.۳ درصد افزایش داشته است.

در پاییز ۱۴۰۳ سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان ۲۶٪ درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰.۶ درصد کاهش یافته است.



۲۰ میلیون مراجعه

نادر توکلی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت: سالانه حدود ۲۰ میلیون مراجعه به اورژانس‌های بیمارستانی ثبت می‌شود که بیش از ۷۰ درصد آنها به صورت سرپایی هستند. تنها یک درصد از مراجعات در سطح یک تریاژ قرار دارند، یعنی بیمارانی که به اقدامات اورژانسی حیاتی نیازمندند. همچنین، بیش از ۷۵ درصد مراجعات سرپایی بوده که مدیریت این بیماران می‌تواند نقش مهمی در کاهش ازدحام و بهبود عملکرد اورژانس داشته باشد.



بازی با مرگ

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران درباره پاساژ علاءالدین گفت: این پاساژ تاییدیه ندارد و مردم شانس در این محل حضور دارند. اختطاف‌های زیادی به مالک داده شده و توجهی نمی‌کند و اگر اتفاقی بیفتد، مالک باید پاسخگو باشد. پاساژ پایان کار ندارد و شهردار باید به قوه قضائیه نامه ارسال کند تا حکم قوه در یافت شود که یا تعطیل شود و در صورت نظر به اصلاح باید اصلاحات صورت بگیرد.



نه به اینترنت طبقاتی

پس از اظهاراتی که به نقل از وزیر علوم مبنی بر رایزنی برای رفع مسدودی یوتیوب برای اساتید و دانشجویان آموزش عالی منتشر شد، علیرضا عبداللهی‌نژاد، مدیر روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ارتباطات اعلام کرد که این موضوع یک توافق بین وزارت علوم و دادستانی مبتنی بر یک آیین‌نامه کارگروه تعیین مصادیق است و ارتباطی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ندارد.

شیوع ویروس جدید

سرعت انتشار ویروس گوارشی جدید با علائم مشابه با کرونا، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است



در روزهای اخیر، گزارش‌هایی مبنی بر شیوع یک ویروس گوارشی جدید در ایران منتشر شده است که علائمی مشابه با ویروس کرونا دارد، اما شدت آن کمتر است. این ویروس با سرعت بالایی درحال گسترش است و نگرانی‌هایی را در جامعه ایجاد کرده است.

به گفته دکتر ایرج خسرونی، رئیس انجمن متخصصان داخلی ایران، این ویروس با علائمی همچون اسهال، استفراغ، تب، بدن‌درد، استخوان‌درد، دل‌درد و دل‌پیچه شروع می‌شود و ممکن است علامت سرفه آن تا مدت‌ها در بدن بیمار باقی بماند.

شیوع این نوع ویروس در جامعه به دلیل عدم رعایت بهداشت فردی است. همچنین، قدرت سرایت آن بسیار بالاست، به طوری که اگر در یک خانه فردی دچار آن شود، بقیه افراد را نیز درگیر خواهد کرد.

این ویروس به راحتی از طریق ذرات بزاق، استفراغ و مدفوع از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. استفاده مشترک از ظروف غذا و نوشیدنی آلوده، تماس با سطوح آلوده و عدم رعایت بهداشت فردی می‌تواند به گسترش سریع‌تر آن منجر شود.

خسرونی توصیه می‌کند که افراد با رعایت بهداشت فردی، استفاده از ماسک و شست‌وشوی مداوم دست‌ها، از ابتلا به این ویروس پیشگیری کنند. همچنین، افرادی که به این بیماری مبتلا شده‌اند، باید استراحت کرده و از حضور در جامعه پرهیز کنند تا از انتقال ویروس به دیگران جلوگیری شود.

آمار دقیقی از تعداد مبتلایان به این ویروس در ایران وجود ندارد. با این حال، به طور کلی تخمین زده می‌شود که از هر سه نفر، یک نفر به این ویروس مبتلا شود؛ یعنی حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد افراد جامعه درگیر این بیماری هستند.

این ویروس از نظر علائم به ویروس کرونا شباهت دارد، اما شدت آن کمتر است. با این حال، به دلیل قابلیت انتقال بالای آن، نگرانی‌هایی در مورد فشار بر سیستم بهداشتی و درمانی کشور وجود دارد.

درمان این ویروس عمدتاً حمایتی است و شامل استراحت، مصرف مایعات کافی و استفاده از داروهای مسکن برای کاهش علائم می‌شود. در صورت بروز علائم شدید یا طولانی مدت، مراجعه به پزشک توصیه می‌شود.

به نوشته‌های آن، این ویروس به‌شدت مسری است و بیش از ۹۰ درصد بیماری‌های اسهالی به این ویروس نسبت داده می‌شود. این ویروس می‌تواند از طریق تماس مستقیم با فرد مبتلا یا از طریق سطوح آلوده منتقل شود. علاوه بر این، ویروس از طریق قطرات ریز استفراغ یا مدفوعی که روی سطوح سرویس بهداشتی پاشیده می‌شود، سرایت می‌کند.

علائم نورویروس تهوع، استفراغ، اسهال، دل‌درد و دل‌پیچه را شامل می‌شود. برخی افراد ممکن است علائمی نظیر خستگی، تب خفیف، لرز، سردرد و دردهای عضلانی نیز

داشته باشند. هرچند این علائم ناخوشایند و نگران‌کننده‌اند، بیشتر بیماران ظرف یک تا دو روز بهبود می‌یابند. با این حال، برخی افراد ممکن است به‌شدت بیمار شوند، که معمولاً به این دلیل است که نمی‌توانند مایعات بدن‌شان را حفظ کنند و دچار کم‌آبی شدید می‌شوند.

این بیماری درمان خاصی ندارد و از آنجا که ویروسی است، آنتی‌بیوتیک‌ها اثربخش نخواهند بود. هنوز هیچ داروی ضدویروس مخصوص نورویروس یا واکسن تاییدشده‌ای برای پیشگیری از ابتلا وجود ندارد. اکثر بیماران بدون مداخله پزشکی بهبود می‌یابند. نکته کلیدی این است که مایعات به میزان کافی نوشیده شود تا بدن دچار کم‌آبی نشود.

اما توصیه می‌شود افراد در صورتی که علائم نگران‌کننده خاصی دارند یا به دلیل شدت استفراغ بدنشان مایعات کافی



مواجه شده است. بیمارستان‌ها، به‌ویژه در استان‌های شمالی مانند هبسی و پکن، با هجوم بیماران مبتلا به این ویروس روبه‌رو شده‌اند. این وضعیت نگرانی‌هایی را در مورد ظرفیت بیمارستان‌ها و سیستم بهداشت عمومی ایجاد کرده است.

مقامات بهداشتی چین این وضعیت را به‌عنوان یک پدیده فصلی توصیف کرده و تأکید کرده‌اند که HMPV یک ویروس جدید نیست و شیوع آن در این زمان از سال معمول است. آنها همچنین خاطرنشان کرده‌اند که این ویروس تهدیدی مشابه با کووید-۱۹ نیست و نیازی به نگرانی جهانی وجود ندارد.

با این حال، برخی از کارشناسان بهداشتی هشدار داده‌اند که افزایش موارد HMPV می‌تواند بر سیستم بهداشتی و درمان فشار وارد کند و نیاز به نظارت و آمادگی بیشتر دارد. آنها توصیه می‌کنند که افراد در معرض خطر مانند کودکان زیر پنج سال، افراد مسن و کسانی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند، اقدامات پیشگیرانه مانند شست‌وشوی دست‌ها و استفاده از ماسک را رعایت کنند.

در برخی موارد، به‌ویژه در کودکان خردسال، سالمندان و افراد دارای سیستم ایمنی ضعیف، این ویروس می‌تواند منجر به بیماری‌های شدیدتری مانند برونشیت یا ذات‌الریه شود. درحال حاضر، هیچ واکسن یا درمان خاصی برای HMPV وجود ندارد. درمان معمولاً حمایتی است و شامل استراحت، مصرف مایعات و داروهای مسکن برای کاهش علائم می‌شود. با این حال، تحقیقات درحال انجام است تا درمان‌ها و واکسن‌های مؤثرتری برای این ویروس توسعه یابد. برخلاف ویروس کرونا (SARS-CoV-2)، HMPV شیوع کمتری دارد و عوارض سیستماتیک شدید ایجاد نمی‌کند. یکی از تفاوت‌های اصلی بین HMPV و ویروس کرونا در میزان سرایت و شدت بیماری‌زایی آنها است. درحالی که کووید-۱۹ می‌تواند به سرعت گسترش یابد و عوارض جدی ایجاد کند، HMPV معمولاً باعث عفونت‌های خفیف تا متوسط می‌شود. در مجموع، با وجود افزایش موارد HMPV در چین، مقامات بهداشتی بر این نکته تأکید می‌کنند که این ویروس تهدیدی جهانی نیست و نیازی به نگرانی عمومی وجود ندارد. با این حال، نظارت مستمر و رعایت اقدامات پیشگیرانه برای کنترل شیوع آن ضروری است.

چه کنیم؟

از آنجا که درحال حاضر، هیچ درمان ضدویروسی یا واکسنی برای جلوگیری از HMPV وجود ندارد، با انجام رعایت نکات زیر می‌توانید خطر ابتلا به HMPV و سایر بیماری‌های تنفسی را کاهش دهید: دست‌ها را با آب و صابون به مدت حداقل ۲۰ ثانیه بشویید تا انتشار ویروس به حداقل برسد. هنگام سرفه یا عطسه دهان و بینی خود را بپوشانید. ترجیحاً در آرنج یا زیربغل‌تان سرفه و عطسه کنید تا ذرات تنفسی در محیط پخش نشود، از ماسک استفاده کنید، از تماس با افراد بیمار خودداری کنید. از لمس چشم‌ها، بینی و دهان خود یا دست‌های آلوده خودداری کنید. اگر مبتلا به ویروس هستید، تا بهبود بیماری در قرنطینه بمانید.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۰۱۱۴۷۰۰۴۱۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۰۳۰۱۱۴۷۰۰۴۱۲۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروضی و مالکانه و بلاعارض آقای سلیم علوی بشماره شناسنامه ۴۸۱ و کد ملی ۱۵۰۵۷۳۳۰۰ فرزند حیدر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۹/۳۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۹۴ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام نامبرده صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹
م ۱۵۵۵۲ الف
سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی
شناسه آگهی ۱۸۵۰۰۴۳

